

سبک آموزش



آزمون آنلاین دانش آموزان و دغدغه‌های مادرانه

امتحانات خرداد در تور گردشگری سواحل شمال!

■ مرضیه بامیری

خرداد همیشه برای مردم کشور ما مفاهیم زیادی را تداعی می‌کند. سومین ماه از فصل سرسزنده و پرنشاط بهار که اتفاقات تاریخی بزرگی در آن رقم خورده است ولی یکی از رویدادهای مهم ماه خرداد که آن را سرر زبان‌ها انداخته فصل برگزاری امتحانات مدارس است. روزهایی که مطالعه آزاد برای برگزاری امتحانات آغاز می‌شود و دانش آموزان فقط برای دادن آزمون به مدرسه می‌روند. ماهی که سبک زندگی خانواده‌ها تغییر می‌کند و خانه‌ها رنگ سکوت می‌گیرد تا دانش آموزان با فراغ خاطر به مرور درس‌ها بپزدازند ولی خرداد امسال متفاوت از سال‌های پیشین است. دو سال است که یک مهمان ناخوانده خارجی داریم. کرونا همه برنامه‌های آموزش را بر هم زده است تا جایی که بچه‌ها به جای رفتن سر آزمون و برگزاری برخی مقررات جدی، در خانه و به صورت آنلاین آزمون می‌دهند. آزمونی که قرار است ملاک میزان یادگیری و توان علمی دانش آموز باشد و او را برای ورود به سال تحصیلی جدید تأیید کند. در اینکه سلامت دانش آموزان از هر چیزی مهم‌تر است تردیدی نیست، اما مسئله مهم اینجاست که آیا این ارزشیابی، دقیق و کاربردی است؟ یعنی می‌شود به نتیجه آن استناد و میزان یادگیری دانش آموزان را بررسی کرد؟ برای پاسخ به این پرسش پای صحبت تعدادی از والدین نشسته‌ایم که حرف‌هایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■ دخترم هیچ چیزی از کلاس اول نفهمید

* زهرا حبیری / مادر یک‌آیناز ۸ ساله

ما امسال چیزی از درس و مشق نفهمیدیم. دختر من کلاس اول بود، مهم‌ترین سالی که باید الفبا را یاد می‌گرفت. از دوستانم شنیده بودم شیوه‌های آموزشی زیادی ابداع شده تا دانش آموزان کلاس اولی به بهترین شکل الفبا را به خاطر بسپارند. کلاس اولی‌ها با ذوق به مدرسه می‌روند و خیلی از مدارس برایشان جشن اسم می‌گیرند. یا وقتی آب را با دای می‌گیرند جشن آب می‌گیرند و برای یادگیری هر کلمه‌ای کلی فوق‌برنامه جذاب دارند که یادگیری را برای دانش‌آموز خوشایند می‌کند ولی در آموزش آنلاین خبری از هیچ‌یک از این برنامه‌ها نیست. دخترم بدون هیچ شوقی سر درس می‌نشاند و خبری از مهرهای صاف‌دین پای دفتر‌هایشان نیست.

دخترم پس از یادگیری هر کدام از حروف الفبا چند

فصله زندگی

■ سلما سلطانی

بعضی حس‌ها رو باید در دست همون موقعی که نیازشون داری جواب بدی. بعضی چیزایی که میخوای رو باید همون موقع انجام بدی... اصلاً چرا بعضیا! همشونو... تو واقعاً حس گرسنگیت رو چند روز میتونی نگه داری؟ اگه بهش در ست پاسخ ندی میمیری! و وقتی بهش برس می هم نمیتونی ز یاد بخوری... نیاز به خوابت رو و چطور؟ یا حتی تشنگی... نیازهای عاطفی و روحی هم همینطور ...! نیاز داری که الان بری بیرون، دوست داری الان یه کفش که تو حراجی دیدی رو بخری، یه تئاتر بری که زمان کوتاهی اجرا میره، حتی مسافرت به کشوری یا شهری یا حتی رفتن به گیم نت... به نظرت هر وقت که بخوای میتونی از اون حراجی کفش مورد علاقه‌ت رو با همون قیمت بخری ...؟ یا تئاتر رو همیشه دید؟ یا سفر رو با شرایط خوب میشه به کشوری؟ یا اصلاً از خودت پرسیدی، وقتی همه کارایی که دوست داری رو محول میکنی به یه آینده نامعلوم، اصلاً زنده هستی برای انجامشون و لذت بردن ازشون؟ یا اینکه فکر می‌کنی قطعاً شرایط انجام اون کار برات مهیا میشه؟

کاربرگ دریافت می‌کرد که باید آنها را رنگ می‌کرد و این نهایت جذابیت‌ها بود. خبری از با هم خواندن درس‌ها نبود و خستگی کلاس اول روی دوش مادرها ماند. آنها شاید به زور تمرینات ریز و درشت کاغذی الفبا آموخته باشند ولی هیچ‌یک لذتی از آموزش نبردند. اگر دست من بود ایناز دخترم را سال بعد دوباره به کلاس اول می‌فرستادم تا هم پایهایش قوی شود و هم لذت کلاس اول بودن را تجربه کند. مطمئناً بچه‌هایی که در دوران کرونا کلاس اول را گذرانند نسبت به سایر بچه‌ها املا و دستور زبان ضعیف‌تری دارند.

دانش‌چندانی به بچه‌ها اضافه نشد

*فاطمه صباچی / مادر یک نوجوان ۱۴ ساله

سال کرونایی فقط بچه‌ها را یک پله به جلو می‌برد بدون اینکه دانش‌چندانی به آنها افزوده باشد. دختر من امسال پایله دهم بود. تا پارسال شاگرد ممتاز بود ولی امسال لای کتاب‌هایش را باز نکرد. توی رختخواب حاضری می‌زد و تا شروع کلاس بعدی وقتی که درس‌ها در حال داندلود شدن بودند او می‌خوابید و این قصه پنج روز هفته تکرار می‌شد. موقع امتحانات ترم اول ما سفر رفتیم و درست در مسیر باید امتحان روانشناسی می‌داد. حتی کتاب هم با خودش نیاورده بود. تمام سوالات را در واتساپ از دوستانش می‌پرید



مادر یک دانش‌آموز دبیرستانی: پسر م کلاّبی خیال در س و مشق شده و دنبال کار رفته است. در خانه مدام سرش توی گوشه‌ای است و با دوستش کسب و کار مجازی راه انداخته است. تنها نشانه محصل بودنش حضور و غیاب‌های مجازی است که گاهی در رختخواب، گاهی در حمام یا حتی در دورهمی با دوستانش انجام می‌دهد. او یک سال است درست و حسابی درس نخوانده، در ست و حسابی درس نخوانده، در ست و حسابی درس نخوانده و حالا باید امتحان بدهد

و به گمانم برگه همه بچه‌ها جوابشان شبیه هم بود. بدون اینکه حتی یک واو جا انداخته باشند. دغدغه دیگری که امسال خبری از آن نبود بحث پژوهش و تحقیق بود. دخترم برای هر موضوعی دو دقیقه در اینترنت جست‌وجو می‌کرد و چند صفحه پاوربونت تحویل می‌داد. بعید می‌دانم خیلی به دانش او و هم‌کلاس‌هایش اضافه شده باشد.

پسر بی‌خیال درس و مشق شده است

*آثنه فدایی / مادر یک پسر ۱۶ ساله

پسر م کلاّبی خیال درس و مشق شده و دنبال کار رفته است. در خانه مدام سرش توی گوشه‌ای است و با دوستش کسب و کار مجازی راه انداخته است. تنها نشانه محصل بودنش حضور و غیاب‌های مجازی است که گاهی در رختخواب، گاهی در حمام یا حتی در دورهمی با دوستانش انجام می‌دهد. او یک سال است درست و حسابی درس نخوانده، درست تکلیف ننوشته و حالا باید امتحان بدهد. من هم جای او دوستانش باشم کمپین نه به امتحانات حضوری راه می‌اندام. البته این به معنی آن نیست که من دلهره‌ای از انتقال وپروس کرونا در حوزه‌های امتحانی ندارم. فقط معتقدم بچه‌هایی که یک سال درس نخوانده‌اند و فرمالیته یک جوابی از روی کتاب یا اینترنت داده‌اند نمی‌توانند یک‌شبه علامه دهر شوند و راحت آزمون حضوری بدهند. پایه‌هایی که پیش‌نیاز سال‌های بعد هستند دانش‌آموزان را در سال بعد با مشکلات جدی روبرو می‌کند و سیستم آموزشی باید از ابتدا تمام دروس را مرور و یادآوری کند.

والدین را به جای دانش‌آموز تسویق می‌کنم

*سودابه امامی / معلم

هرگز نمره‌هایی که به شاگردانم داده‌ام واقعی نبوده است. آنها هر روز خط‌شان عوض می‌شود. یک روز پدر می‌نویسد، یک روز مادر... وقتی می‌گویم کاردستی درست کنند بلافاصله عکسش را برایم ارسال می‌کنند. در حالی که سر کلاس تمام ساعت هنر طول می‌کشید تا کاری انجام شود. حالا همه چیز با سرعت و در نهایت دقت و ظرافت انجام می‌شود و من آن عبارت تشویقی را برای مادر دانش‌آموزم می‌فرستم و نه خودش!

کرونا همه برنامه‌های آموزشی را بر هم‌زده است تا جایی که بچه‌ها به جای رفتن سر آزمون و برگزاری برخی مقررات جدی، در خانه و به صورت آنلاین آزمون می‌دهند. آزمونی که قرار است ملاک میزان یادگیری و توان علمی دانش‌آموز باشد و او را برای ورود به سال تحصیلی جدید تأیید کند. در اینکه سلامت دانش آموزان از هر چیزی مهم‌تر است تردیدی نیست، اما مسئله مهم اینجاست که آیا این ارزشیابی، دقیق و کاربردی است؟ یعنی می‌شود به نتیجه آن استناد و میزان یادگیری دانش آموزان را بررسی کرد؟



■ تلخیص: سیمین جم

هر روز صبح که گروه خانوادگی‌تان را باز می‌کنید، الگوی مشخصی از پیام‌ها می‌بینید: خاله‌تان تصویری از غروب آفتاب در دشتی سرسبز را فرستاده است که روی آن نوشته شده: «امروز مثل خورشید بتاب» یا پسرعمویتان که عکسی از یک دسته گل گذاشته و زیرش نوشته: «گاهی اوقات فقط باید لبخند بزنی و رد شوی، بگذار خیال‌کنند که نفهمیده‌ای». راز محبوبیت این پیام‌ها چیست؟ چه کسانی آنها را می‌سازند؟ و به چه دردی می‌خورند؟



«روزی که در آن هستی به‌دهای است که به تو داده‌اند»... «به مسیر بیندیش، نه مقصد»... «زندگی کن، عشق بسوز و بخند» (و فراموش نکن این پیام را به اشتراک بگذاری و اینستاگرام را دنبال کنی...)...

جملات انگیزه‌بخش بخش جدایی‌ناپذیری از رسانه‌های اجتماعی‌اند، مخصوصاً فیس‌بوک و اینستاگرام که سرتاسر آنها را پیام‌های «پرمغزی» گرفته که اغلب پس‌زمینه‌های شگفت‌انگیزی هم دارند. حتماً متوجه منظوم هستید: عکس‌هایی از آبشارهای بزرگ و غروب‌های زیبا با جملاتی مثل «تا باران نبارد، رنگین‌کمانی در کار نخواهد بود». همان پیام‌هایی که خاله‌تان مدام به اشتراک می‌گذارد و خودش هم زیرش نظر می‌دهد: «کلاً موفقم».

این جملات انگیزه‌بخش شاید حالتان را به هم برزند، اما آن‌قدر رایج هستند که برای برخی یک کسب‌وکار بزرگ محسوب می‌شوند، چون لایک می‌خورند، به اشتراک گذاشته می‌شوند و به پول تبدیل می‌شوند و بدین شکل صنعت جملات الهام‌بخش شکل می‌گیرد. شان، ۴۵ ساله‌ا کانادا، مدیر چندین حساب «سخت‌بزرگان» و همچنین یک وب‌سایت جملات قصار است. حساب تویترش، حدود ۶۶۹۰۰۰ و حساب فیس‌بوکش، بیش از ۴ میلیون دنبال‌کننده دارد. علاقه او به جملات انگیزشی سود فراوانی برایش داشته و در حالی که هنوز یک شغل اداری در بخش صنعت واپس‌لر دارد، گفته که اخیراً از تبلیغ در وب‌سایتش، دو تا سه برابر درآمد معمولی‌اش پول درآورده است. او می‌گوید: «به خاطر سودی که از تبلیغات به دست می‌آورم، حالا دیگر می‌توانم کارم را کنار بگذارم».

شان خیلی زود متوجه مقبولیت جملات انگیزه‌بخش شد. روزی در دوران نوجوانی داشت در یک کتابفروشی گشت می‌زد که به کتاب کوچکی از جملات معروف برخورد. چیزی در این گفته‌های موج‌ب‌بود که نظرش را جلب کرد و او دست به کار شد تا مجموعه شخصی خودش را گرد آورد، مجموعه‌ای از جملات که طنین خاصی داشتند.

پس از چند سال، او دوباره بازاریابی اینترنتی و بهینه‌سازی موتورهای جست‌وجو (SEO) مطالعه کرد و توانست کاری کند وب‌سایتش از اولین نتایج جست‌وجوی عبارت «جملات انگیزه‌بخش» باشد. بعد با تغییر الگوریتم گوگل به شدت رتبه‌اش پایین آمد.

از بسیاری جهات، تاریخ‌صنعت جملات انگیزه‌بخش آنلاین پایه‌های تاریخ چگونگی استفاده از اینترنت جلو آمده است. وقتی شان ارسال ایمیل‌ها را کنار گذاشت، رسانه‌های اجتماعی رو به رشد بودند. او در فیس‌بوک و توییتر حدود ۴۰ هزار دنبال‌کننده داشت و از اعضای خبرنامه ایمیلی خود هم خواست او را دنبال کنند. شان می‌گوید: «هنر احقق فکر می‌کردم الان همه همین کار را می‌کنند. کافی است چند سالی مدام ایمیل فوروارد کنید تا بفهمید گستره رسانه‌های اجتماعی همیشه هم چندان وسیع نیست».

فیس‌بوک تا مدت‌ها حدود ۴۵ هزار نفر بود. ابتدا جملات متنی ارسال می‌کرد. متوجه شد که الگوریتم به منظم پیام گذاشتن امتیاز می‌دهند و ناگهان روزانه هزاران دنبال‌کننده جدید پیدا کرد. همچنین با دیگر صفحات سخن بزرگان وارد معامله شد و محتوای صفحه آنها را در صفحه خود منتشر می‌کرد و در مقابل، آنها هم همین کار را برای او می‌کردند. یکی از همین همکاران علاقه‌مند به جمله توصیه کرد که از ارسال متن تنها دوری کند و این شد که از آنچه خود «تصویر جمله» می‌نامد استقبال کرد:



صنعت «سخنان انگیزشی» رسانه‌های اجتماعی را قرق کرده است
تولید دلار از جملات قصار!

■ تلخیص: سیمین جم

توند جملات الهام‌بخش با پس‌زمینه تصویری از غروب و منظره که اکنون در رسانه‌های اجتماعی فراگیر شده است.

یک جمله الهام‌بخش واقعی چطور ساخته می‌شود؟ شان می‌گوید: «راستش را بخواهید، من بسیاری از مطالب اینترنتی را دوست ندارم. وقتی بین کلی ات‌وا‌اشغال می‌گردید و ناگهان چیز ارزشمندی پیدا می‌کنید که چشمتان را می‌گیرد، انگار ناگهان دوپایین مغزتان افزایش می‌یابد. این حس وجداًمیز مثل نوشدارویی که خورده باشید، تمام وجودتان را می‌گیرد. دوست دارم این تجربه را «هشدار آگاهی» بنامم. یک هشدار آگاهی دریافت و حس می‌کنید ذهنتان همان لحظه باز شده است و با تجربه کاملاً جدیدی مواجه هستید که پیش از آن هرگز از سر نگذرانده بودید».

او می‌گوید: «بخیلی جالب است که آدم می‌بیند مردم به نسبت بیشتر به جمله‌های واقعاً ابتدایی و مزخرف واکنش مثبت نشان می‌دهند، جمله‌هایی که به نظر بسیار به دردنخور هستند. بعد چشمتان به مطلب آنلاینی می‌خورد که فوق العاده و جذاب است و اصلاً به آن توجهی نمی‌شود. سطح پیشرفت افراد متفاوت است و به سلیقه می‌شود که دارید در مرز انسانیت یا سانت به سانت جلو می‌برید».

او می‌گوید اکنون می‌کوشد چیزهایی را پیدا کند که بیشتر مردم دوست دارند؛ یعنی جمله‌های تک‌خطی ساده و نه چیزهایی که خودش عموماً می‌پسندد. طی سالیان، شان مجموعه‌ای از حدود ۴هزار جمله گردآوری کرده است و معمولاً با فیلترهای جدید همان مطالب قبلی را دوباره ارسال می‌کند. همچنین یک چت‌بات را در مسنجر مدیریت می‌کند که جمله‌روز‌اسال و هر روز غروب یک ویدئوی زنده پخش می‌کند (مطالب جدیدش اینهاست: «پای‌می‌توانید همیشه به همه خدمت کنید؟» یا «به دنبال لذت‌های خود می‌روید؟»).

تنها صفحات سخن بزرگان نیستند که روی پدیده جملات انگیزه‌بخش سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ برندها هم به‌عنوان یک ابزار خوب بازاریابی به این قالب روی می‌آورند. در ۲۰۱۸، لورا بلگری که کپی‌رایتر است پس از نوشتن مطلبی در Money.com، به شهرتی ناگهانی دست یافت، مطلبی با عنوان «روزی ۶۰۰۰ دلار حقوق می‌گیرم تا در اینستاگرام جملات الهام‌بخش بنویسم. اینطوری توانستم شغل ایدئالم را پیدا کنم».

بلگری علاوه بر به اشتراک‌گذاری همان جملات قدیمی‌ای که هر روز برایتان ارسال می‌شود، جملات خود را هم می‌سازد. در جهان بلگری، نوآوری حرف اول را می‌زند. «با انتشار جمله‌ای مانند «خودت باش، زسرا بقیه نقش‌ها قبلاً گرفته شده‌اند» می‌ماند آن نمی‌توانی از دیگران پیشی گرفت؛ اصلاً آوردن چنین جمله‌ای اغلب کنایه‌آمیز است». او می‌گوید تلاش لزوماً با نتیجه تناسب ندارد، گاهی تمام روز به چیزی می‌اندیشد و مردم اصلاً به حاصل کارش علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و گاهی فی‌البداهه چیزی می‌نویسد و حسابی گل می‌کند.

چرا جملات انگیزه‌بخش برای برخی قدر این قدر مطلوب و در نظر برخی دیگر این قدر مشتم‌کننده‌اند؟ این قالب احتمالاً به خاطر قابلیت اشتراک‌گذاری طراحی شده است: ابتدا به واسطه نقل قول‌های شفاهی یا در کتاب‌هایی مانند آثارشان در نوجوانی خواند و حالا در رسانه‌های اجتماعی. گوردن پنیوک، روان‌شناسی در دانشگاه رجینای کانادا که کنشش با عنوان «در باره دریافت و شناسایی چرندیات ژرف‌نما» در ۲۰۱۶ برنده جایزه ایگ‌نوبل شد، می‌گوید: «هر فردی از بیش از بقیه مستعد هستند که نکات حکیمانه را به جملات بی‌معنی نسبت دهند و این افراد کمتر اهمل تأمل هستند و توانایی شناختی پایین‌تری دارند، همچنین احتمالاً بیش از سایرین به مسائل فوق طبیعی معتقدند و مکمل و داروهای جایگزین را تأیید می‌کنند».

پنیوکو می‌گوید در نهایت، دوست داریم چیزهایی را به اشتراک بگذاریم که احساس‌مان را عمیقاً تحریک می‌کند، حالا چه خبرهای جلی باشد، چه جمله‌های الهام‌بخش.

نقل و تلخیص از: تز ترحمان
نوشته: ویکتوریا ترک
ترجمه: نجمه رضانی / مرجع، وایرد